

سفینہ زندگی

(پیتر کامنترینڈ)

مدرسہ ماہرہ

محمد بقایی (ماکان) ❁

www.ketab.ir



انتشارات تهران

سفینه زندگی

پیتر کامنتریند

هرمان هسه، نقد از جان ویتون

ترجمه محمد بقایی (ماکان)

چاپ دوم، ۳۰۰ نسخه

سال انتشار: ۱۴۰۳

شاب و صحافی: پردیس دانش

شاب: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۱-۴۶-۲

تهران، خیابان پارس، چهارراه پاسداران، شماره ۵۱۴

تلفن های انتشارات: ۲۲۵۴۵۲۱۹، ۲۲۷۶۰۶۹۹، ۲۲۷۶۰۶۹۹، ۲۲۷۶۰۶۹۹، ۲۲۵۶۹۸۰۱

WWW.TEHRAN55.COM

کلیه حقوق چاپ و نشر اثر برای انتشارات تهران محفوظ است.

هرگونه برداشت یا اقتباس از این کتاب؛ کلی یا جزئی، به هر شکل (الکترونیکی، دیجیتال، چاپ، صوتی، فضای مجازی و...) بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و پیگرد قانونی دارد.

Hesse, Hermann

سرشناسه: هسه، هرمان، ۱۸۷۷ - ۱۹۶۲ م.

عنوان و نام پدیدآور: سفینه زندگی (پیتر کامنتریند) / از هرمان هسه؛ ترجمه محمد بقایی (ماکان).

مشخصات نشر: تهران: تهران، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۱-۴۶-۲

وضعیت فهرست نویسی: قیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Peter Camenzind.

موضوع: داستان های آلمانی - قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: بقایی ماکان، محمد، ۱۳۲۳ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ س۷۴ / س۷۴ / ۲۲۴۵۱

رده بندی دیویی: ۸۳۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۴۶۸۱۳

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

پیشگفتار مترجم

برای دوستداران ادبیات داستانی، بخصوص آنان که به مطالعه رمان علاقه مندند، جذابیت آثار هسه و نکته‌های تأمل برانگیزی که در آنها مطرح می‌شود بسیار شگفت‌انگیز است. شاید از همین روست که رمانهای او به اکثر زبانهای جهان ترجمه شده و میلیونها نفر آنها را خوانده‌اند و در دانشگاههای برخی از کشورها کرسیهای استادشناسی دایر شده است.

این گرایش، پدیده‌ای است رو به رشد که به گونه‌ای اعجاب‌انگیز مقبولیت جهانی یافته است. خوانندگان آثار هسه سراسر طبقه‌ای خاص نیستند. نوشته‌های او را روشنفکران، دانشگاهیان، معلمان، محققان و حتی دانش‌آموزان با علاقه تمام می‌خوانند، زیرا آنچه او مطرح می‌سازد حدیث نفس انسان است. بسیار دیده شده کسانی که اصولاً با مطالعه مآنوس نبوده‌اند، آثار او را خوانده و از این طریق به مطالعه کتاب خو گرفته‌اند.

هسه به دلایل مختلف برای مردم جاذبه دارد؛ از نظر کسانی که به ظواهر آثارش توجه می‌کنند نویسنده‌ای است که تخیلات رنگ در رنگ را به هم می‌آمیزد، به مسائل فوق طبیعی، دنیای قلب، موضوعات عرفانی، دیدگاههای برآمده از شرق، و معضلات انسان امروز توجه نشان می‌دهد،

ولی از دید آنان که به باطن می نگرند، منتقد ژرف نگر جنگ، محرک جامعه، نویسنده ای بی باک و خالق آثاری شاعرانه است که مؤید کرامت انسانند. او در دو دهه نخست قرن بیستم که هنوز چهل سالگی را پشت سر نگذاشته بود در زمره نویسندگان معتبر و صاحب نام کشورش قرار گرفت. اثر معروف او «میان»^۱ که در سال ۱۹۱۹ منتشر شد، اعتباری جهانی به قلم وی بخشید. روی گردانی او از جنگ، گرایشهای فکری و نیز دیدگاه عارفانه ای که نسبت به آینده داشت، خوانندگان بسیاری را به سوی آثارش کشاند.

همه پیش از روی کار آمدن نازیسم در آلمان، محبوبیت فراوان در کشورهای آلمان زبان داشت. گرچه حکومت نازی آثارش را که به هیچ روی جنبه سیاسی نداشت، بی درنگ در آلمان ممنوع نکرد یا آنها را به آتش نکشید ولی مورد حمایت، نیز قرار نداد. بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان آلمانی و غیرآلمانی مانند ت. س. الیوت، آندره ژید و توماس مان او را ستودند، ولی طرفداران نازیسم به این سبب که احساسات افراطی وطن پرستانه از خود نشان نمی دهد، تازش می کردند. این مسأله سبب شد تا شهرتش به تدریج تقلیل یابد. پیروان نازیسم و رادیکالهای جوان گمان می کردند آثارش جامعه را به سوی گذشته انرمانتیککی سوق می دهد که طالب از میان رفتن آن هستند. ولی حقیقت این است که همه مانند هر انسان طبیعی به سرزمین و زادگاهش علاقه ای معقول داشت و آنچه او را می آزرده روح تجاوزگری و سلطه طلبی نازیسم و پیروانش بود. شاهد این مدعا در کتاب حاضر به تصریح و در دیگر آثارش به تلویح بیان شده. او در صفحات پایانی رمان سفینه زندگی (پیتر کامتزنند) وقتی پس از سالها

۱. این اثر از سوی همین مترجم و ناشر منتشر شده است.

دوری به زادگاهش باز می‌گردد، چنان وصفش می‌کند که گوئی عاشقی جمال معشوق دلخواهش را پس از طی دوره هجران. خوشحال است از این که به خلاف روزگار سپری شده در سرزمینهای غریب، دیگر «وصله‌ای ناجور» نیست، از هوائی استنشاق می‌کند که به واقع «مفرح ذات» اوست، و وقتی پدر یا عمویش را می‌بیند به هویتش پی می‌برد و می‌داند که «فرزند یا برادرزاده کسی» است، ولی حکومت خودکامه هیتلری با قلب حقیقت، او را وادار به جلای وطن می‌کند، حال آن که هسه در آثارش به دنبال یافتن هویت و کمال است و خواننده را به این دو عامل مهم انسان‌ساز سوق می‌دهد.

آثار هسه نه تنها در غرب بلکه در شرق نیز بسیار مورد توجه قرار گرفت و این بی‌سبب نیست زیرا، یاری از اندیشه‌های برآمده از فلسفه و عرفان شرق در آثارش متبلور است. مضمون محوری آنها را شکل می‌دهد. از میان این آثار می‌توان به دو اثر بسیار ارزشمندش سفر به شرق و سیدارتا^۱ اشاره کرد. این گرایش بی‌سبب نیست زیرا پدرش یوهانس هسه که از کشیشهای پروتستان بود از سال ۱۸۶۹ تا ۱۸۷۱ یعنی تا چهار سال پیش از تولد هرمان هسه به عنوان مبلغ مذهبی در هند به سر می‌برد و از همین رو با فلسفه، الاهیات و عرفان هند آشنا شد که تا پایان عمر با آنها مانوس بود. مادر هرمان نیز که در هند متولد شد وضعیتی مشابه دارد، او که در شبه‌قاره همسر یک مبلغ مذهبی بود پس از فوت نخستین شوهرش در شهر کالوی آلمان با یوهانس آشنا می‌شود که از پیوندشان هرمان به دنیا می‌آید. بنابراین هرمان هسه در خانواده‌ای که با فرهنگ شرق آشنائی داشته پرورش می‌یابد. ولی خود او برای آن که شرق را از نزدیک حس کند در

۱. این دو اثر نیز از سوی همین مترجم و ناشر منتشر شده است.

سال ۱۹۱۱ که سی و چهار ساله بود راهی هند می‌شود. این سفر او را مسحور فرهنگ شرق می‌سازد و تفکری عمیق را در خصوص تضادهای دو دنیای شرق و غرب در او به وجود می‌آورد؛ بخصوص که از عصر انقلاب صنعتی و خصوصتهای ایدئولوژیک در غرب به ستوه آمده بود و معنویت دلبذیر شرق جذابیتهای مضاعف برای او پیدا کرده بود. شاید از همین روست که قهرمان رمان روزالده^۱ سرانجام برای آن که از زندان زندگی خود رهایی یابد، راهی شرق می‌شود تا در آنجا «فضائی تازه، پاک و به دور از رنج و زشتی»ابد.

ولی شبهه قاره از هزار سال پیش تا کنون تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بوده و زبان فارسی نیز در اول قرن نوزدهم (۱۸۳۵ م.) زبان رسمی این سرزمین محسوب می‌شده به امری که به چند کشور تبدیل شده است. این فرهنگ بی‌تردید تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر هسه داشته است. بی‌جهت نیست که در آثارش شباهتهای بسیاری با افکار او با شاعران و عارفان ایرانی که افکار و آثارشان در سرزمین هند رواج داشته می‌یابیم. این شباهتها گاه چنان است که گوئی اندیشه‌ها و مضامین مطرح شده در آثار آن شاعران را عیناً مطرح نموده است. از این روست که متاسفانه لازم دانسته در کتاب حاضر و همچنین در دیگر آثارش تا آنجا که ذهنش را دربر می‌گیرد، این شباهتها را متذکر شود.

یکی از آثار معروف عرفانی در زبان فارسی که از شهرت و اعتبار بسیار برخوردار است و از دیرباز در شبه قاره از زمره منظومه‌های مورد علاقه مردم بوده، منطق الطیر فریدالدین عطار است که می‌توان رمان سفر به شرق هسه را دقیقاً با آن منطبق کرد. ساختار سفر به شرق کاملاً یادآور قالبی است

که عطار برای منطق الطیر پدید آورده. در این رمان، «نوآموز» یادآور «کوچک ابدال» است، «انجمن» یادآور «خانقاه»، همچنین «لثو» یادآور «هدهد» و راهیان بهانه جوی سفر، یادآور مرغانی که به دنبال او برای رسیدن به «حقیقت غائی» روانند و هریک در مسیری پرمخافت از رفتن بازمی مانند و عطای هدفی ناپیدا را به لقایش می بخشند. در انتهای این رمان نمادین سه تن از نویسندگانی که در جمع مسافران بوده اند، به رغم آن که در سفری واحد شرکت داشته اند، گزارشهایی جداگانه از این سفر می نویسند که هر سه با هم زرق در زد. هسه می خواهد در اینجا نتیجه بگیرد که هر کس جهان را از نگاه خود و به میزان آگاهیهایش تصور می کند. این موضوع یادآور داستان معروف^۱ حافظ نیز که در فرش در شبه قاره همیشه شیرین تر از «سیه چشمان کشمیری و ترکان سمندی» بوده همین اندیشه را بیان می دارد:

معشوق چون نقاب ز رخ بر نمی کشد
هر کس حکایتی به تصور چرا کند

و محمود شبستری نیز که گلشن راز او در سرزمین سند چندان مقبول طبع مردم صاحب نظر بوده که بارها به زبان اردو منتشر شد. خیال — که هسه از ستایشگران اوست — منظومه ای در استقبال از آن با عنوان «گلشن راز جدید» سروده، همین دیدگاه را با زیبایی مطرح می سازد:

از او هر چه بگفتند از کم و بیش
نشانی داده اند از دیده خویش

۱. ابیات ۱۲۶۰-۱۲۶۸. برای مطالعه بیشتر ر.ک: معنای زندگی از نگاه مولانا و اقبال، نوشته نذیر قیصر، ترجمه م. ب. ماکان، انتشارات تهران، ص ۳۱۲.

جالب این که وقتی قهرمان داستان به پیر و مراد خود می‌رسد و او را کشف می‌کند در او مستحیل می‌شود، یعنی براساس تفکر وحدت وجودی من دانی به من عالی می‌پیوندد که مضمون محوری شعر عرفانی ایران است و از آن به پیوستن قطره با دریا تعبیر می‌شود. در کتاب حاضر نیز همین اندیشه را به بیانی دیگر مطرح می‌سازد و می‌گوید: افسردگی مرا بر آن می‌دارد «تا خود را در آغوش خداوند جای دهم و زندگی ناچیزم را نامتناهی و ابدی سازم». این اندیشه گرچه برای غریبان، بخصوص جمعی از پیروان هگل - فیلسوف هموطن هسه - یعنی طرفداران ایده‌گرائی مطلق (Absolute Idealism) ناآشنا نیست، ولی حقیقت این است که در شبه‌قاره از د.ها زن پیش در نحله‌های مختلف رسوخ داشته و هریک به صورتی آن را مطرح ساخته‌اند. از جمله نصیرالدین محمود چراغ دهلوی (متولد ۷۵۷ ه.):

ای زاهد ظاهربین از چه می‌پرسی

او در من و من در او، چون بر به گلاب اندر

هسه در پایان این رمان متذکر می‌شود هر کس جهان را آن‌گونه وصف می‌کند که می‌بیند و آخر کار بی‌آن که معمای هستی بر او معلوم شود، طاماتی می‌بافد و در خواب می‌شود، این پژواک اندیشه عالمگیر خیام در باب عالمانی است که می‌پندارند به حقیقت نائل شده‌اند:

آنان که محیط فضل و آداب شدند

در جمع کمال شمع اصحاب شدند

ره زین شب تاریک نبردند به روز

گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند

بررسی تطبیقی اندیشه‌های مطرح در آثار هسه با افکار برآمده از شرق نیاز به بحثی جداگانه و تفصیلی دارد که از حوصله این مقدمه بیرون است.

آنچه به عنوان نمونه گفته شد برای آن بوده است تا شاهدی بر این دعوی باشد. رمان سیدارتانیز در مجموع شاهد دیگری است بر این مدعا. البته می‌توان شواهدی غربی نیز برای زیرساختهای فکری هسه یافت، ولی تحقیق در ادبیات تطبیقی زمانی کمال می‌یابد که همه عناصر سازنده دستگاه فکری یک نویسنده، شاعر، فیلسوف و هنرمند مورد ارزیابی قرار گیرد. هسه به تعبیر فرهنگ شرقی «اهل دل» یا به بیان دیگر «اهل حال» است و از دنیای صنعتی و پر قیل و قال سیاست زده که جز دانش جدید معبودی نمی‌شناسد رری گردان. بنابراین با «علم رسمی» میانه‌ای ندارد و همانند نیچه از مذهب علم رسمی و شیوه حاکم بر تعلیم و تربیت کشورش و طبیعتاً جهان است. هسه این اندیشه را در رمانهای تیزهوش^۱ و سفینه زندگی به صورتی گسترده مطرح می‌سازد. ولی این فکر یکی از عناصر عرفان ایرانی است که سابقه طویلانی در شعر فارسی دارد؛ حافظ از درس رسمی به کرات با طعن و لعن یاد می‌کند و آن را به سخره می‌گیرد:

بشوی اوراق اگر همدرس مائی

که علم عشق در دفتر نباشد

در جای دیگر می‌گوید:

از قیل و قال مدرسه حالی دلم گرفت

یک چند نیز خدمت معشوق و می، کنم

و شیخ بهائی همراه با نیچه و هسه معتقد است که:

علم رسمی سر به سر قیل است و قال

نه از او کیفیتی حاصل نه حال

هسه از همان کودکی از درس رسمی و مدرسه — چنان که در کتاب

۱. این رمان از سوی همین مترجم و ناشر منتشر شده است.

حاضر نیز شرح می‌دهد - دلزده بود و همان‌طور که خود گفته است در تمامی سالهای تحصیل فقط یک معلم تحسینش کرده. او در سال ۱۸۹۰ وارد مدرسه‌ای شبانه‌روزی در گوپینگن^۱ شد. در این مدرسه برای اولین و آخرین بار که در زندگی‌اش امری استثنائی بود، دانش‌آموز خوبی از آب درآمد. بعد به خواست پدرش که مردی منضبط و سخت‌گیر بود در یکی از مدارس علمیه معروف شهر مالبرون^۲ ثبت‌نام کرد تا کشتیش پروتستان شود. چیزی نگذشت که از فضای مدرسه علمیه به ستوه آمد و از نحوه مدیریت آن رنّه‌های بی‌شمار دید، چندان که فرار را بر قرار ترجیح داد. این گریز، دیر نمانید و او بار دیگر به مدرسه بازگشت ولی هرگز نتوانست خود را با آن تطبیق دهد. با انجام مدرسه را برای همیشه ترک کرد. هرمان جوان ایام دلگزائی را در آن داشت. افراد و سازمانهای مختلفی برای کمک به وی وجود داشتند، ولی نمی‌توانستند از بار مشکلات عاطفی او بکاهند. این مسایل چندان او را رنجاند که حتی یک‌بار اقدام به خودکشی کرد. آخرین باری که رسماً به تحصیل پرداخت در سالهای ۹۴-۱۸۹۳ در مدرسه‌ای پیش‌دانشگاهی بود. او از این درس خواندن هیچ لذتی نمی‌برد. تجارب تلخی را که از این مدرسه داشت پایه‌ریزی برخی از بخشهای رمان *دمیان* شد.

در سالهای ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵ که هسه جوان در یکی از کارخانه‌های ساعت‌سازی شهر کالو به کار مشغول می‌شود، تدریجاً این فکر در او قوت می‌گیرد که به نویسندگی روی آورد. اندکی بعد در یکی از کتابفروشیهای شهر توپینگن کاری برای خود دست و پا می‌کند و رفته‌رفته در پی کشف مفهوم زندگی برمی‌آید یا سعی می‌کند دست‌کم معنائی نزدیک به یقین

برایش بیابد. در سال ۱۸۹۹ نخستین کتابهایش را که سفینه‌ای از شعر و قطعاتی به نثر بوده منتشر می‌سازد. در همین سال به شهر بازل در سوئیس نقل مکان می‌کند و در آنجا نیز به حرفه کتابفروشی روی می‌آورد و با مطالعه کتابهای مختلف و سفر به سوئیس و ایتالیا - که در کتاب حاضر شرح می‌دهد - افق دیدش گسترش می‌یابد. دو سال بعد کتابی می‌نویسد با عنوان «مقالات بعد از مرگ و اشعار هرمان لاوشر» که توجه برخی از منتقدان برجسته آلمانی را جلب می‌کند و نامش به عنوان نویسنده‌ای معتبر تثبیت می‌شود.

هسه پس از این کتاب شروع به نگارش کتابهای دیگری از جمله سفینه زندگی (پیتر کامتریند) می‌کند. این کتاب در سال ۱۹۰۴ منتشر می‌شود و بی‌درنگ به علت فضای صمیمانه، انسانی حاکم بر آن چنان به شهرت می‌رسد که ظرف دو هفته نایاب می‌شود. در حق تألیفی که هسه از این کتاب و دیگر آثارش به دست می‌آورد سبب می‌شود تا حدی استقلال مالی بیابد، از این رو دست از کتابفروشی می‌کشد و اوقاتش را کاملاً وقف نوشتن می‌کند. کتاب حاضر همانند دیگر آثارش متأثر از تجربه‌هایی است که در زندگی داشته. هسه به خلاف بسیاری از نویسندگان، ویتنامی تجربه‌شده زندگی شخصی خود را در قالب رمان بیان می‌دارد. گاهی شاهد برگرهائی به آن می‌دهد، چنان که در رمان تیزهوش خودکشی دانش آموز دلزده از محیط مدرسه منجر به مرگش می‌شود، حال آن‌که در مورد هسه چنین فرجامی نداشته است. ولی در مجموع می‌توان گفت که او قلم بر کاغذ نیاورده مگر آن‌که از تجربه‌های خود سخن گفته باشد. رمان حاضر نیز از چنین فضا و کیفیتی برخوردار است؛ شهرها، نامها و زمانها دقیقاً با اصل خود منطبق نیستند ولی هسته اصلی و موضوعات مطرح شده در رمان، سفینه حیاتش را در دریای متلاطم و آشوب‌زده ایام کودکی تا جوانی شکل می‌دهند.

سفینه زندگی درباره پسر بچه‌ای است که فقیر ولی با استعداد است و سرانجام تا حدی به رفاه مادی می‌رسد. او نهایتاً پی می‌برد که در عشق، در تلاشهای عقلانی، در هنر، موسیقی و حتی در امور مادی نیز به مقصود نرسیده و ناکام مانده است. مجموع این قضایا او را به انزوای می‌کشاند و سبب می‌شود تا خود را از نیازهای اجتماعی رها سازد و همانند عطار به این نتیجه برسد که:

محتاج به دانه زمین نیست

بغیر که به بام لامکان رفت

هسه در این رمان - چنان که خود در سطرهای پایانی نخستین فصل آن می‌گوید - سر متأثر از شیوه نویسنده بزرگ و واقع‌گرای آلمانی سوئیسی تبار، گوته بدکار^۱ (۱۸۱۹-۱۸۹۰) است که آثارش به سبکی تازه و با قلمی استوار شارح واقع‌ات زندگی بود.

تعلق خاطر هسه به فردی شرقی و قرابت افکارش با اندیشه‌ها و عرفان ایرانی که در مجموع حدیث نفس انسان است سبب شده تا خوانندگان بی‌شماری در ایران به دست آورد و یکی از مطرح‌ترین نویسندگان خارجی به‌شمار آید. از همین رو آثارش با ترجمه‌های مختلف و قلم‌های غالباً نامطمئن و بی‌مسئولیت منتشر می‌شود که از اعتبار آثارش می‌کاهند، طوری که می‌توان هسه را از جمله چهره‌هائی دانست که به همین سبب مظلوم واقع شده و بسیاری از آثارش فاقد ترجمه‌ای مطلوب می‌باشند و در نتیجه مبین دیدگاه و قلم واقعی او نیستند. شگفت‌آورتر این که دیده شده مطالبی از خود بر آنها می‌افزایند، از آن جمله است شرح

۱. Gottfried Keller، هسه در رمان حاضر چند بار از او نام می‌برد که در جای خود توضیح داده شده.

کشاف و حیرت آوری در مذمت می و می خواری از زبان هسه! در یکی از همین ترجمه‌هائی که از کتاب حاضر شده است. شاید از همین روست که راقم این سطور برای آن که خط فاصلی میان این ترجمه با دیگر ترجمه‌ها ایجاد کند، بی آن که قصدش جلوه‌فروشی بوده باشد، بر آن شد تا به جای نام اصلی کتاب یعنی پیتر کامنتزیند که تلفظ آن نیز برای فارسی‌زبانان آسان نیست، عنوان «سفینه زندگی» به آن بدهد که نویسنده خود در آخر کتاب مطرح می‌سازد و مبین ماجراهائی است که در این رمان شرح شده یا به عبارت بهتر در زندگی بر او گذشته است.

م. ب. ماکان

زمستان ۸۹